

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء(س)

دانشکده الاهیات

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

معنای زندگی از دیدگاه استاد مطهری در مقایسه با آلبر کامو و توماس نیگل

استاد راهنما

سرکار خانم دکتر نرگس نظرنژاد

استاد مشاور

سرکار خانم دکتر فروزان راسخی

دانشجو

سارا مرادی

مهر ۱۳۹۱

کلیه دستاورد های این تحقیق متعلق به دانشگاه
الزهرا (س) است.

هو العليم

تقديم به

ساحت مقدس امام زمان (عج)

تقدیر و تشکر

شکر و سپاس نثار ایزد منان که توفیق را رفیق راهم ساخت تا این رساله را به پایان برسانم. از استاد فاضل و اندیشمندم سرکار خانم دکتر نرگس نظر نژاد که در مقام استاد راهنما همواره نگارنده را مورد لطف و محبت خود قرار داده اند، خاضعانه سپاس گزارم و همچنین بر حسب وظیفه، از استاد ارجمندم سرکار خانم دکتر فروزان راسخی به عنوان استاد مشاور، کمال تشکر را دارم و سپاس بیکران به مهربان همسرم، او که اسوه صبر و تحمل بوده و با همدلی و همراهی خویش، مشکلات مسیر را برایم تسهیل نمود و درنهایت از خانواده و کلیه عزیزانی که به نوعی من را در به انجام رساندن این مهم یاری نموده اند، تشکر می کنم.

چکیده

در این رساله سعی شده است، تا به بررسی یکی از دغدغه های اصلی بشر امروز، یعنی پاسخ به این پرسش که « آیا زندگی معنادار است؟ » پرداخته شود. مسأله معنای زندگی از دیرباز محل بحث و بررسی اندیشمندان بسیاری بوده است، اما در جهان معاصر با توجه به افزایش روزافزون اندیشه پوچ گرایی و تفکر نیهیلیستی، لزوم پرداختن به این بحث از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در این خصوص دیدگاه استاد مطهری و دو تن از متفکران، متعلق به سنت الحادی غرب، آلبر کامو و توماس نیگل، مورد بررسی قرار گرفته است. کامو و نیگل بر این عقیده اند که زندگی انسان فاقد هر گونه معنای محصل و دست‌یافتنی است و انسان برای معنادار شدن زندگی، چاره ای جز جعل معنا از درون خویش ندارد. در مقابل استاد مطهری، معتقد است که انسان با حرکت در مسیر قرب الهی می تواند به کشف معنای زندگی خویش نائل آید. آن چه در نهایت از این مباحث حاصل شده است، این است که دیدگاه کامو و نیگل به نوعی مؤید پوچی زندگی انسان است و در عمل کمکی به رهایی انسان معاصر از منجلاب پوچی و بی معنایی نخواهد کرد. اما براساس نگرش شهید مطهری ساحت زندگی انسان بری از هر گونه پوچی و سرشار از امید و هدفمندی است.

واژگان کلیدی: معنای زندگی، پوچی، هدف زندگی، استاد مطهری، آلبر کامو، توماس نیگل.

فهرست

- ۱.....مقدمه
- ۵.....فصل اول؛ کلیاتی در باب معنای زندگی
- ۶.....۱-۱ پیشینه و ضرورت بحث معنای زندگی
- ۱۰.....۲-۱- تفاسیر مختلف معنا
- ۱۳.....۱-۲-۱- معنا مساوی هدف
- ۱۵.....۲-۲-۱- معنا مساوی ارزش
- ۱۶.....۳-۲-۱- معنا مساوی کارکرد
- ۱۷.....۳-۱- پوچی
- ۲۲.....۴-۱- بررسی رویکردهای موجود نسبت به مسأله معنا
- ۲۴.....۱-۴-۱- پوچ گرایی یا نیهیلیسم
- ۲۵.....۲-۴-۱- معناداری زندگی
- ۲۵.....۱-۲-۴-۱- دیدگاه طبیعت گرایانه
- ۲۶.....۱-۱-۲-۴-۱- شخص گرایی (فردگرایی)
- ۲۷.....۲-۱-۲-۴-۱- عین گرایی

- ۲۹..... دیدگاه فراطبیعت گرایانه.....۲-۲-۴-۱
- ۳۰..... دیدگاه خدا محور.....۱-۲-۲-۴-۱
- ۳۳..... دیدگاه روح محور.....۲-۲-۲-۴-۱
- فصل دوم؛ بررسی دیدگاه های آلبر کامو و توماس نیگل در باب معنای زندگی ۳۵**
- ۳۶..... کامو در آینه افکار.....۱-۲-۱-۲-۲
- ۳۸..... پوچی از نگاه کامو.....۱-۱-۱-۲-۲
- ۳۸..... دیدگاه کامو در باب وجود خداوند.....۱-۱-۱-۲-۲
- ۴۶..... مرگ اندیشی کامو.....۲-۱-۱-۲-۲
- ۴۸..... رهایی از پوچی.....۲-۱-۱-۲-۲
- ۵۵..... دیدگاه نیگل در باب پوچی.....۲-۲-۱-۲-۲
- ۶۰..... نیگل و جایگاه اعتقاد به خداوند در معنادار کردن زندگی.....۳-۲-۱-۲-۲
- ۶۳..... نیگل و مرگ اندیشی.....۴-۲-۱-۲-۲
- فصل سوم؛ تبیین معنای زندگی از دیدگاه استاد مطهری..... ۶۶**
- ۶۷..... جهان بینی یا هستی شناسی از منظر شهید مطهری.....۱-۳-۱-۲-۲
- ۷۲..... انسان شناسی استاد مطهری.....۲-۳-۱-۲-۲
- ۷۲..... آفرینش انسان.....۱-۲-۳-۱-۲-۲

- ۷۲.....۳-۲-۱-۱-۱- مراحل خلقت انسان.....
- ۷۴.....۳-۲-۱-۲- انسان موجودی دو بعدی.....
- ۷۶.....۳-۲-۲- انسان برخوردار از فطرت الهی.....
- ۷۷.....۳-۲-۱- فطریات انسان در ناحیه ی شناختی و ادراکی.....
- ۷۸.....۳-۲-۲-۲- فطریات انسان در ناحیه خواست ها و گرایش ها.....
- ۷۹.....۳-۲-۲-۱- گرایش به حقیقت جویی یا علم و دانایی.....
- ۷۹.....۳-۲-۲-۲-۲- گرایش به خیر و فضیلت.....
- ۸۰.....۳-۲-۲-۳- گرایش به جمال و زیبایی.....
- ۸۰.....۳-۲-۲-۴- گرایش به عشق و پرستش.....
- ۸۱.....۳-۳- مرگ اندیشی از دیدگاه استاد مطهری.....
- ۸۶.....۳-۴- زندگی معنادر از نگاه شهید مطهری.....
- ۸۹.....۳-۴-۱- انسان و راه رسیدن به قرب الهی.....
- ۹۳.....۳-۴-۲- سخن از هدایت موجودات.....
- ۹۵.....۳-۴-۱- هدایت تکوینی.....
- ۱۰۰.....۳-۴-۲- هدایت تشریحی.....
- ۱۰۳..... فصل چهارم؛ مقایسه معناداری زندگی از دیدگاه سه اندیشمند.....
- ۱۰۴.....۴-۱- خلاصه ای از نظریات آلبر کامو در باب مسأله پوچی.....

۲-۴- گزیده ای از آراء تامس نیگل در مورد پوچی.....۱۰۸

۳-۴- خلاصه ای از دیدگاه استاد مطهری.....۱۱۱

۱-۳-۴- هدف انسان در زندگی و راه وصول به آن.....۱۱۳

۲-۳-۴- نحوه هدایت و راه یابی انسان در مسیر قرب الهی.....۱۱۵

۴-۴- مقایسه آراء سه اندیشمند در باب وجود خداوند، مرگ اندیشی و جعل یا کشف

معنا.....۱۱۶

۱-۴-۴- اعتقاد به وجود خداوند از منظر سه متفکر.....۱۱۶

۲-۴-۴- مقایسه مرگ اندیشی از منظر سه اندیشمند.....۱۱۸

۳-۴-۴- مقایسه جعل یا کشف معنای زندگی از دیدگاه سه متفکر.....۱۲۲

مقدمه

معنای زندگی یکی از جنجال برانگیزترین مسائل انسان معاصر است، هنگامی که در پی یافتن معنای زندگی هستیم، در واقع برآنیم تا زندگی را ارزش گذاری کنیم و جایگاه خود را در هستی بیابیم. این که آیا زندگی معنایی را با خود به همراه دارد یا این که صرفاً پوچ و بی هویت است؟ و اگر معنادار است، چه چیز یا چه چیزهایی به آن معنا می دهد؟ آیا معنای زندگی را باید از نگاهی دینی بررسی کرد، یا این که بدون توجه به دین نیز می توان زندگی را معنادار کرد؟ از جمله پرسش های مهمی هستند که باید در حیطه بحث از معنای زندگی بدان ها پرداخته شود. با توجه به اندیشه مخرب پوچ گرایی که در برابر معناداری زندگی، روز به روز در حال پیشرفت است، پرداختن به مقوله معنای زندگی، نیازی اساسی دانسته می شود. پژوهش حاضر در صدد است تا مسأله معنای زندگی را در آثار شهید مطهری به عنوان یک متفکر دینی و آلبر کامو و توماس نیگل به عنوان متفکران غیر دینی بررسی کند و نشان دهد که استاد مطهری چگونه از موضع دینی، حیات بشر را معنادار می داند، در حالی که کامو و نیگل معتقد اند که زندگی فاقد معنای قابل کشف و دست یافتنی است.

شرحی از برخی پژوهش های انجام شده

در خصوص پژوهش های انجام شده در باب معنای زندگی، می توان از مجله نقد و نظر نام برد که مستقلاً در بعضی از مقالات آن با نگاهی دینی و غیر دینی به بررسی این مسأله

پرداخته شده است. از جمله این مقالات، مقاله «پوچی» نوشته ی توماس نیگل و ترجمه ی آقای حمید شهریاری است. نیگل در این مقاله ابتدا به نقد و بررسی برخی از دلایل پوچی از نگاه عامه مردم پرداخته است و در ادامه دیدگاه خاص خود را در مورد علت پوچی و راه مواجهه با آن بیان کرده است. همچنین می توان از مقاله «معنای زندگی» نوشته سوزان ولف و ترجمه آقای محمد علی عبداللهی نام برد. نویسنده در این مقاله به بررسی معنای زندگی و این که آیا مسأله جاودانگی میان معنا و عدم معنا تمایز ایجاد می کند، پرداخته است. هر دو این مقالات در شماره اول و دوم، سال هشتم نقد و نظر به چاپ رسیده اند. همچنین می توان به مقاله «معنای زندگی، نیهیلیسم و اندیشه مهدویت» نوشته آقای بهروز محمدی منفرد، اشاره کرد که از منبع اینترنت گرفته شده است. در این مقاله، بی معنایی زندگی و اندیشه پوچ گرایی از بحران های انسان معاصر دانسته شده است و نویسنده قصد داشته با استمداد از اندیشه مهدویت و مبانی آن پاسخی قانع کننده به پوچ گرایی بدهد.

پژوهش دیگری که در آن به مسأله معنای زندگی پرداخته شده است، پایان نامه ای است با عنوان «معنای زندگی از دیدگاه استاد جعفری و جان هیک» که خانم راضیه فلاحی این پایان نامه را در دانشگاه الزهرا (س) دفاع کرده اند. در این پایان نامه مبحث معنای زندگی از نگاه دو متفکر دینی متعلق به مکتب های دینی مختلف، بررسی شده است. با توجه به این که در مورد مقایسه بحث معنای زندگی از دیدگاه استاد مطهری، کامو و نیگل، مقاله، کتاب یا پایان نامه مستقلی یافت نشده است. از این رو جا دارد به این مبحث به طور مستقل پرداخته شود.

سؤال اصلی پژوهش

دیدگاه کامو، نیگل و شهید مطهری در باب معنای حیات چیست؟

سؤالات فرعی پژوهش

- ۱- از دیدگاه شهید مطهری زندگی انسان چگونه معناداری شود؟
- ۲- آلبر کامو و توماس نیگل در برابر معناداری زندگی چه موضعی گرفته اند؟
- ۳- نقاط قوت دیدگاه استاد مطهری در مقایسه با آلبر کامو و نیگل چیست؟

فرضیات پژوهش

- ۱- از نظر استاد شهید، زندگی از طریق رسیدن به کمال نهایی که همان قرب الهی است، معناداری شود.
- ۲- آلبر کامو و توماس نیگل، قائل به نوعی پوچی و بی معنایی زندگی هستند.
- ۳- دیدگاه استاد مطهری ضمن برخورداری از قوت عقلانی بیشتر، نگاه خوش بینانه تری به انسان می بخشد و او را به فرجام هستی امیدوارتر می کند و بدین طریق آرامش، روان شناختی بیشتری به او می بخشد.

روش پژوهش

پژوهش در این رساله به روش کتابخانه ای است؛ نگارنده با مطالعه منابع و استخراج اطلاعات مورد نیاز و در نهایت، تحلیل و تبیین اطلاعات، به تألیف این اثر پرداخته است.

معرفی فصول

فصل اول؛ در این فصل کلیاتی در باب معنای زندگی ارائه شده است. در ابتدای فصل پیشینه و ضرورت بحث معنای زندگی بیان شده، سپس تفاسیر مختلف معنا و بحث از پوچی

مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت برای تبیین بهتر موضوع معنای زندگی، رویکرد های موجود نسبت به مسأله معنا اعم از پوچ گرایی و معناداری معرفی شده است.

فصل دوم؛ عنوان این فصل « بررسی دیدگاه های آلبر کامو و توماس نیگل در باب معنای زندگی » است. در این فصل که از دو بخش اصلی تشکیل شده است، دیدگاه های کامو و نیگل در سه محور پوچی و بی معنایی زندگی، باور به وجود خداوند و مرگ اندیش بررسی شده است. بخش اول این فصل به بیان دیدگاه کامو اختصاص یافته است و در بخش دوم نظریات نیگل مطرح شده است.

فصل سوم؛ این فصل به بررسی دیدگاه استاد مطهری در خصوص معنای زندگی می پردازد. به منظور نیل به این هدف، نگارنده نخست به تعریف و تشریح جهان بینی و انسان شناسی استاد مطهری پرداخته است و سپس دیدگاه ایشان را در خصوص هدف زندگی انسان و راه رسیدن به این هدف و بحث از هدایت الهی بیان کرده است.

فصل چهارم؛ این فصل به مقایسه دیدگاه های استاد مطهری، کامو و نیگل در خصوص معنای زندگی می پردازد؛ بدین منظور نویسنده ابتدا خلاصه ای از آراء این سه اندیشمند را در باب موضوع مورد بحث، تشریح و تبیین کرده است و در ادامه به بررسی و قیاس دیدگاه آنان در سه محور باور به وجود خداوند، مرگ اندیشی و جعل یا کشف معنا پرداخته است. در انتها نیز با توجه به مطالب ارائه شده در باب نظریات کامو و نیگل، سه نقد وارد شده بر نظریات آنان بیان شده است.

فصل اول

کلیاتی در باب معنای زندگی

موضوع این فصل، همان گونه که از نامش پیدا است، بررسی مباحث مربوط به معناداری زندگی است. با توجه به اهمیت مسأله معنای زندگی، در ابتدای فصل به بیان ضرورت و پیشینه بحث از معنا پرداخته خواهد شد و پس از آن معانی مختلف معنا بیان خواهد شد. در ادامه اندیشه های پوچ گرایی و دلایل آن ذکر خواهد شد و در پایان فصل، رویکردهای مختلف نسبت به مسأله معنای زندگی توضیح داده خواهد شد.

۱-۱- پیشینه و ضرورت بحث معنای زندگی

دغدغه معنا و دستیابی به زندگی معنادار یکی از اساسی ترین دغدغه های وجودی انسان است. انسان از آن جهت که موجودی متفکر و پرسشگر است، از چرایی هستی خود سؤال می کند، این سؤال شاید در ابتدا آسان به نظر برسد، اما به گفته بسیاری نقطه آغازین فلسفه وجودی و سخت ترین سؤال بشریت را رقم می زند.

یکی از سؤالات اساسی که در این حوزه مطرح می شود، این است که آدمی در مسیر زندگی خویش از چه زمانی با پرسش بنیادی "معنای زندگی چیست" مواجه می شود؛ در پاسخ به این سؤال نظرات مختلفی ارائه شده است؛ گروهی بر این باوراند که انسان در مسیر زندگی خویش، در زمان های خاصی، بیشتر سنگینی این سؤال مهم را احساس می کند. در شرایطی که انسان با محرومیت ها و بدبختی ها دست و پنجه نرم می کند، با سختی ها و

دردهای غیرقابل توجیه رویاروی می شود، در چنین لحظاتی مسائل، مشکلات و اهداف روزمره زندگی ناگهان اهمیت خود را از دست می دهند و انسان با کلیت زندگی خود مواجه می شود و از ارزش، مقصود و هدف آن سؤال می کند. در واقع، به نظر بسیاری از روانشناسان، انسانی که با درد و رنج اجتناب ناپذیر مواجه نمی شود، هرگز در مقام طرح این پرسش واقع نمی گردد.^۱

در مقابل گروهی دیگر از این نظریه دفاع می کنند که انسان هیچ گاه از این پرسش اساسی غافل نمی گردد و حتی مواجهه وی با پرسش معنای زندگی از زمان کودکی آغاز می شود. برای نمونه از میان قائلان به این موضوع می توان به آدلر^۲ (۱۸۷۰-۱۹۳۷) اشاره کرد که معتقد است: "از کودکی، در تاریکی و ابهام کودکانه در جست و جوی معنای زندگی هستیم."^۳

در طول تاریخ فلسفه، اندیشمندان بسیاری به تحلیل و بررسی این پرسش پرداخته اند. در واقع، می توان گفت پرسش از معنای زندگی پرسشی به قدمت عمر بشریت است. ماهیت این پرسش در آثار فلسفی قدیم همچون آثار فلسفی یونان باستان نیز وجود داشته است، با این تفاوت که در دنیای قدیم اغلب به بحث معنای زندگی تحت عنوان "سعادت" می پرداختند. فلاسفه در ادبیات فلسفی خود به شیوه فلسفی "سعادت" را مطرح می کردند و با توجه به مبانی خاص معرفتی و مابعدالطبیعی خود به تحلیل پیشین^۴ آن می پرداختند.

در میان فیلسوفان یونان باستان، سقراط^۵ (۴۷۰ ق.م - ۳۹۹ ق.م) نخستین کسی بود که با سر دادن ندای "خودت را بشناس" به دنبال خویشتن انسانی بود. وی معنا و هدف زندگی را در شناخت درون آدمی دانست.^۱

۱- اخگر، محمد علی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد «معنای زندگی از دیدگاه ملاصدرا»، ص ۷.

۲- Alfred Adler، از روانشناسان بنام اتریشی بود، آدلر معمولاً به عنوان نخستین پیشگام گروه روانشناسی اجتماعی در روانکاوی تلقی می شود.

۳- آدلر، آلفرد، مفهوم زندگی را دریابید، ناهید فخرایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳، ص ۲۳.

۴- a priori analysis اصطلاح معرفت شناسی که از قرن هفدهم رایج شده است و به تحلیل یا توجیهی اشاره دارد که برمبنای شواهد بیرونی یا تجربه حسی نباشد.

۵- Socrates حکیم و متأله یونانی. او نخستین فیلسوفی بود که انسان را موضوع معرفت علمی قرار داد.

ارسطو^۲ (۳۸۴ ق.م-۳۲۲ ق.م) نیز با مطرح کردن بحث سعادت و خیر اعلا، نظر ها را به سوی دیدگاه خدا محور معنای زندگی معطوف کرد. او با وارد کردن بحث علت غایی در جهان-بینی و فلسفه خود به تبیین غایی آفرینش پرداخت و خداوند را غایت نهایی عالم هستی دانست و بدین ترتیب کمک شایانی به نظریه پردازان در حوزه معنای دینی زندگی نمود.^۳

در حقیقت قدما در این گونه مباحث رویکردی پیشین داشتند، برخلاف مواجهه انسان مدرن با این گونه مباحث که مواجهه ای پسین، تجربی و متکی بر شواهد آماری و تجربی است. انسان جدید با توجه به بحران پوچی، ناامیدی، تنهایی و درگیری ملموس و بی واسطه با این مشکلات، درصدد یافتن راه حل عینی و ملموس برای دردهای وجود خویش است. در واقع، انسان مدرن در مقام عمل و در جریان زندگی روزمره و بالفعل خود درصدد یافتن راه حل هایی برای برون رفت از واقعیت های محتوم و تلخ جامعه خویش است، واقعیت هایی مانند ناامیدی، بدبینی نسبت به آینده، اندیشه های پوچ گرایی، تفکر نیهیلیستی^۴ و بی معنایی زندگی.^۵

بنابراین کاملاً واضح است که بحث از معنای زندگی صرفاً یک بحث نظری، فکری و فلسفی نیست، بلکه جنبه کاربردی نیز دارد و در مقام عمل، ریشه بسیاری از پدیده های فردی و اجتماعی است، چنان که بسیاری از روانشناسان معتقداند یافتن معنایی برای زندگی، تأثیر زیادی در بهداشت روانی افراد و جلوگیری از آشفتگی و سردرگمی آنان دارد، از جمله این افراد

^۱ - کاپلستون، فردریک چارلز. تاریخ فلسفه، سید جلال الدین مجتوبی، تهران: سروش، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۱۲۹-۱۳۰.

^۲ - Aristotle فیلسوف یونانی پایه گذار منطق. وی شاگرد افلاطون بود.

^۳ - همان، ج ۱، ص ۴۶۷.

^۴ - Nihilism اندیشه نیهیلیسم همان گونه که از نامش پیداست- این واژه از ریشه لاتین Nihil به معنای پوچی و نیستی گرفته شده است- اندیشه ای است که به نفی، رد یا انکار همه یا بخشی از جهات فکر یا زندگی می پردازد. این اندیشه را می توان در حوزه های گوناگونی همچون فلسفه، کلام، اخلاق، سیاست، ادبیات و... یافت. برای مثال نیهیلیسم اخلاقی هرگونه امکان توجیه یا نقد قضاوت های اخلاقی را رد می کند، چراکه معتقد است اصول اخلاقی صرفاً عباراتی هستند که ناشی از تمایلات و احساسات گوینده ی آن ها است. همین طور در حوزه ی معرفت شناسی، نیهیلیسم هرگونه امکان دانستن یا ارتباط پیدا کردن با متعلق شناسایی را رد می کند.

^۵ - علیزمانی، امیر عباس؛ «معنای معنای زندگی»، نامه حکمت، شماره ۱، سال پنجم، ۱۳۸۶، ص ۶۲.

می توان به فرانکل^۱ (۱۹۰۵-۱۹۹۷)، روانشناس و فیلسوف اتریشی اشاره کرد، که بر نقش بی‌چون و چرای داشتن معنا و هدف در زندگی بر آرامش و بهداشت روانی افراد تأکید دارد. فرانکل تلاش برای یافتن معنا در زندگی را اولین نیروی محرکه در انسان می‌داند. از نظر او انسان بودن یعنی مسؤول بودن و تصمیم‌گیرنده بودن؛ یعنی فرد باید معنا و رسالت زندگی خود را در هر لحظه معین و معلوم دریابد و به سؤال‌هایی که زندگی از او می‌کند، با آزادی و احساس مسؤولیت کامل پاسخ دهد. فرانکل نحوه پاسخ‌گویی به زندگی را در قبول مسؤولیت و رودرو شدن با موقعیت‌ها، وظایف و شرایطی که در طول زندگی آدمی رخ می‌دهد، می‌داند.^۲

بنابر دیدگاه وی، خلأ وجودی را می‌توان مؤلفه‌ای مهم در آسیب‌شناسی روانی دانست، که بی‌تفاوتی و ملال از علائم بارز آن است و این بی‌تفاوتی، پیامد‌های ناگواری همچون افسردگی، اعتیاد، پرخاشگری، بی‌بندوباری جنسی و تردید در تشخیص میان خوبی و بدی را در پی دارد. به عقیده او مشکل انسان امروز در بی‌معنا بودن زندگی، خلأ وجودی و ناکامی وجودی است.^۳

در هر حال قدمت طرح پرسش در باب معنا و تلاش‌های متفکران حوزه‌های گوناگون معرفتی، نشانگر اهمیت این بحث است. از آن‌جا که معنای زندگی یکی از مهم‌ترین موضوعات فلسفی، روانشناسی و دینی است، به این موضوع از چشم اندازه‌های گوناگون معرفتی می‌توان

^۱ - Victor Frankle روانشناس، فیلسوف و عصب‌شناس اتریشی، پایه‌گذار مکتب سوم روان‌درمانی وین یعنی معنا‌درمانی یا لوگوتراپی است. لوگوتراپی یا معنا‌درمانی از واژه لوگوس گرفته شده است. بر این اساس و بنا به گفته فرانکل معنا‌درمانی عبارت است از درمان از رهگذر معنا یا شفابخشی از رهگذر معنا یا روان‌درمانی معنادار.

^۲ - فرانکل، ویکتور؛ *انسان در جستجوی معنی*، اکبر معارفی، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، صص ۶۶-۷۴.

^۳ - فرانکل، ویکتور؛ «*انسان در جستجوی معنای نهایی*»، احمد رضا محمدپور، نقد و نظر، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۴۳۰-۴۴، ۱۳۸۵، ص ۶.

نگریست. از این رو، در حوزه های مختلف سخن از معنای زندگی به میان می آید، حوزه هایی مانند فلسفه دین، فلسفه اخلاق، روانشناسی، فلسفه ارزش ها، فلسفه ذهن، ما بعدالطبیعه و...^۱ یکی از مهم ترین زمینه های طرح مسأله معنای زندگی "فلسفه دین" است؛ در فلسفه دین این سؤال قابل بررسی است که دین به طور کلی یا هر یک از ادیان و مذاهب خاص چه معنایی برای زندگی انسان و یا زندگی من به مثابه یک فرد انسانی قائل است.

در فلسفه اخلاق ارتباط و نسبت میان معنای زندگی و ارزش های اخلاقی مورد بحث قرار می گیرد، چنان که بسیاری از اندیشمندان و فیلسوفان معتقداند اخلاق، علم معنای زندگی است و مسأله معنای زندگی در زمره اساسی ترین مسائل فلسفه اخلاق است. آنان بر این باوراند که اگر زندگی معنایی نداشته باشد، چه معنای معلوم و چه معنای مکشوف، آن گاه دیگر این که چه باید کرد و چه نباید کرد، اصلاً قابل طرح نیست، در واقع بحث از فضیلت و رذیلت در اخلاق در صورتی قابل طرح است که برای زندگی معنایی قائل باشیم.^۲ بنابراین باید پذیرفت که انسان موجودی چند بعدی است که از دیدگاه های مختلف عقلی، روانشناختی، اخلاقی و ... قابل بررسی است.

از آن جا که نبود تعریف دقیق و روشن در بحث معنای زندگی، تحقیق و پژوهش در این حیطه را با مشکل مواجه ساخته، به طوری که وقتی سخن از معنای زندگی به میان می آید، خواننده طیفی از معانی مختلف را در ذهن تصور می کند و این امر باعث بروز ابهام مفهومی در آغاز بحث می شود و با توجه به این که تعریف دقیق و صریح موضوع بحث، از جمله شرایط اساسی و اولیه یک بحث علمی و منطقی است. پس جا دارد اندکی هم در باب ایضاح مفهومی معنای زندگی بحث شود. از این رو در بخش بعدی به بیان معانی مختلف معنا پرداخته خواهد شد.

^۱ - «چشم اندازهای گوناگون مسأله معنا»، نقد و نظر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲، شماره ۲۹-۳۰، ص ۳۱۵.

^۲ - فلاح، راضیه؛ پایان نامه کارشناسی ارشد «مقایسه معنای زندگی از دیدگاه علامه جعفری و جان هیک»، ص ۲۹.